



پژوهش‌های بازاریابی اسلامی

دوره ۲، شماره ۳، تابستان ۱۴۰۲

کاوشی در معرفت‌شناسی تابع مطلوبیت در اقتصاد اسلامی

مهدی گل‌دوزها^{۱*}، اکبر میرزاپور باباجان^۲

^۱ دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

^۲ گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

چکیده

تولید علوم انسانی اسلامی کاری بسیار پیچیده بوده و لازم است دانشمندان جهان اسلام و دلسوزان علم و بشریت در عالم اسلام، نه تنها برای تداوم حیات تمدنی خود که برای نجات علم کمر همت بر بسته و با نگاهی اسلامی و واقع‌بینانه علوم انسانی اسلامی را تولید کرده و به بشریت عرضه نمایند.

آنچه در وهله اول برای این هدف مورد نیاز است، نقد و بررسی مبانی علوم انسانی غربی بوده و در گام بعدی بازتعریف مبانی بر اساس گنجینه‌های فراوان معرفت‌دینی در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی می‌باشد. بخش اساسی علم اقتصاد بر اساس مبانی اندیشه‌ای فیلسوفان غرب بر مبنای تعریف مادی از انسان، تعریف ناقصی از مطلوبیت ارائه می‌دهد که نیاز است تا ضمن نقد این تعریف به تعریف جدیدی به این مفهوم دست یافت تا بتوان مبتنی بر آن اصول دیگر علم اقتصاد اسلامی را بر مبنای آن شکل داد. در این مقاله مطلوبیت از منظر اسلام مورد بررسی قرار داده و با نقد نظریات پیرامون نظریه مطلوبیت، نظریات منتخب ارائه می‌شود.

این مطالعه با روش مرور روایتی دو دسته اصلی مطالعات برای ارائه نظریه بدیل مطلوبیت ارائه می‌نماید. در دسته بندی اول نظریه پیشینه سازی دوساخته مادی و معنوی مطلوبیت بیان شده که با توجه به اشکالات در تعریف لذات مادی و معنوی، تفکیک این دو لذات، تناقض در تابع پیشینه‌سازی، لزوم تکمیل این مفهوم با مفاهیمی چون ایمان، عدم توجه به جایگاه لذت در کنار تکلیف، دسته بندی مطالعات دوم برای احتراز از اشکالات مذکور مورد بررسی و تبیین قرار گرفته اند.

واژه‌های کلیدی: اسلام، اقتصاد، نظریه مطلوبیت.

مقدمه

بی شک اصول موضوعه یا پیش فرض، رفتار اقتصادی موردنظر را هم از نقطه شروع این رفتار (انگیزه) و هم نقطه پایان آن (هدف) تبیین می نماید. براساس این پیش فرض می توان عامل یا عوامل تقاضا کننده یا عرضه کننده را تحلیل کرد. از این رو اقتصاددانان اولیه نئوکلاسیک، رفتار مصرف کننده را این گونه تفسیر نموده اند که وی دنبال حداکثر کردن مطلوبیت خویش است و در نتیجه با درآمد معین خود مقداری از کالا و خدمات گوناگون خریداری می کند که در آن مطلوبیت نهایی یک ریال از هر یک از کالاها و خدمات برابر با مطلوبیت نهایی یک ریال از کالاها و خدمات دیگر باشد. به تعبیر دیگر از نظر اقتصاددانان نئوکلاسیک، تفسیر رفتار مصرف کننده مبتنی بر نظریه مطلوبیت نهایی است. در این نظریه فرض بر این است که هر چه از یک کالا بیشتر مصرف شود، اولاً مطلوبیت کل افزایش پیدا می کند و ثانياً مصرف هر واحد اضافی نسبت به واحد قبلی، مقدار کمتری مطلوبیت به دنبال دارد و در نتیجه مطلوبیت نهایی کاهنده می باشد (آقانظری، ۱۳۸۶). با توجه به منابع متون و نظریه های موجود، حداکثر کردن منافع شخصی بدون توجه به ارزشهای اخلاقی است. به عبارت دیگر اقتصاد متعارف براساس اصالت فایده است؛ بنابراین عقلانیت در اقتصاد متعارف بدون هر گونه ارزشهای اخلاقی است. (کرمی و دیرباز، ۱۳۸۴)

اقتصاددانان رفتار یک مصرف کننده اسراف کننده را منطقی و معقول می دانند، حتی اگر منافع چنین مصرفی کمتر از استفاده بهینه از منابع باشد. علم اقتصاد، رفتار مصرف کننده را با در نظر گرفتن عقلانیت مصرف کننده در یک محیط مالی محدود بدون در نظر گرفتن دیدگاه اجتماعی گسترده تر و تأثیر آن بر رفاه و شادی مورد مطالعه قرار می دهد. (اکرم خان، ۲۰۲۰)

این دیدگاه از مصرف کننده از محدودیت های زندگی واقعی حذف شده است. اکثر افراد در خانواده ها و جوامع زندگی می کنند و با نیازها و انتظارات دیگران تعامل دارند و با فرصت ها و چالش های نوظهور مواجه می شوند. صرف نظر از دین و مذهب، در همه جوامع، والدین حداقل برای چند سال اولیه از فرزندان مراقبت می کنند. به طور مشابه، بیشتر افراد به درجات مختلفی از والدین مراقبت می کنند و نسبت به همسایگان، همکاران، دوستان و خانواده بزرگ احساس مسئولیت می کنند. با این حال به نظر می رسد مصرف کننده ایده آل در کتاب های درسی اقتصاد فقط در یک محل کار یا بازار زندگی می کند و هیچ ارتباطی با خانواده، دوستان و جامعه ندارد در حالی که واقعیت این است که مصرف کنندگان نگران رفاه و خوشبختی خود هستند. در حالی که مطلوبیت یک مفهوم فردگرایانه است، رفاه و شادی دارای ابعاد اجتماعی نیز هستند. شخصی که برای فرزندان یا اعضای خانواده خرج می کند ممکن است سود خود را به حداکثر نرساند اما به دلیل احساس خوشبختی و خوشبختی متعاقب آن احساس رضایت می کند. بدیهی است که چنین نظریه ای از رفتار مصرف کننده باید دوباره مورد بازبینی قرار گیرد تا به واقعیت نزدیک شود. (همان)

لذا چنانچه قصد تولید دانشی مبتنی بر اصول موضوعه اسلامی داریم، برای پذیرش آن از سوی جامعه و جامعه نخبگانی نه تنها نیزمند نقد عالمانه اصول موضوعه علم اقتصاد متعارف هستیم بلکه بایستی تبیینی همه جانبه و ایجابی از نظریه مطلوبیت در اسلام ارائه نماییم. اندیشمندان فراوانی در این موضوع فلم فرسایبی کرده و تولیدات علمی مناسبی تولید شده است. هدف از این مطالعه مرور این مطالعات و تجکیع نظریات مختلف پیرامون نظریه مطلوبیت در اسلام بوده تا برای تکمیل و تصحیح نظریات و پیشرفت دانش اسلامی در حوزه اقتصاد گام کوچکی برداشته باشیم.

ادبیات موضوع و پیشینه

نظریه مطلوبیت

تفکر مطلوبیت‌گرایی از مبنایی سرچشمه گرفته شده است که انسان در آن موجودی بریده از خدا و آموزه‌های آسمانی (دنیسم) بوده و قوانین طبیعی بر امور عالم حاکمیت دارند (ناتورالیسم) و تفکر اومانیسیم یا اصالت انسان در آن موج میزند. به همین دلیل این انسان، تابع لذت ها و خوشی های نفس (مطلوبیت‌گرایی) میباشد. لذا در این تفکر از احکام و ارزش های مبتنی بر وحی سخن گفته نمی شود. مکتب مطلوبیت‌گرایی بر آثار افرادی همچون دیوید هیوم، جرمی بنتام و جان استوارت میل استوار است. بنیاد این مکتب بر

فلسفه ای به نام لذت‌گرایی استوار است. اپیکور که او را بنیانگذار فلسفه ی لذت میدانند می گوید: لذت مبدأ و و غایت زندگی سعادت‌مندانه است زیرا ما لذت را به عنوان خیر نخستین می‌شناسیم که ذاتی و همراه ماست و با توجه به آن است که به هر انتخابی مبادرت می‌ورزیم (شجاعی، ۱۳۷۸). در قرن هجدهم، هلوسوس، اقدام به پرورش مباح فلسفه ی لذت نمود، تعبیر او از انسان این بود که اساس همه ی رفتارهای آدمی حب نفس است. آدمیان تصور می‌کنند که خوشبختی آنها در صورتی کامل است که از قدرت کافی برای تأمین هرگونه لذت برای خود برخوردار باشند، بنابراین عشق به قدرت از عشق به لذت سرچشمه می‌گیرد (شجاعی، ۱۳۷۸). جرمی بنتام متفکری است که بیشتر فیلسوف بود، تا اقتصاددان و اساساً کاربرد ابعاد مهمی از عقاید فلسفی وی در اقتصاد، وی را در جرگه اقتصاددانان قرار داده است. دیدگاه وی، هدف تمام اعمال انسان، لذت و رنج است. وی می‌گوید: ما فقط یک وظیفه داریم و آن جست‌وجوی بالاترین لذت ممکن است و مسأله رفتار انسان، فقط تعیین این است که چه چیزهایی بیش‌ترین لذت را به انسان می‌بخشد (عسگری و عنان‌پور).

اندیشه مطلوبیت‌گرایانه بنتام، در واقع نوعی مفهوم‌سازی از انگیزه انسانی به سوی عمل است. بنتام تصریح می‌کند که هر نوع انگیزه بشری را می‌توان به یک اصل ساده برگشت داد و آن تمایل وی به حداکثر کردن مطلوبیت است. طبق عقیده او، اعمال انسان‌ها با توجه به عناصر لذت و دردی که به همراه دارد، انجام می‌شود و در عین حال، مجموع این لذت‌ها و دردهای افراد، اعمال دسته‌جمعی را شکل می‌دهند. وانگهی او ادعا می‌کرد که می‌توان دردها و لذت‌ها را اندازه‌گیری کرد. وی معتقد است که انسان، علاوه بر آن که به دنبال حداکثر لذت است، خودخواه نیز هست؛ یعنی ترجیحات فردی در همه امور زندگی حاکم است. (عسگری)

تحلیل رفتار مصرف‌کننده بر اساس مطلوبیت‌نهایی، که برای اولین بار، توسط اقتصاددان آلمانی هرمن هنریش گوسن ارائه شد، مبتنی بر دو نیروی «لذت و رنج» بنتامی است. بنتام، برای شناخت و ترجیح لذت‌های برتر، حسابی به نام محاسبه لذات تدوین کرد. وی میزان لذت را تابع هفت چیز میدانست: شدت، مدت، قطعیت، دوری و نزدیکی (نقد و نسیه)، همراهی یا باروری (لذت‌های دیگری را به دنبال خود بیاورد)، خلوص (عدم آمیختگی با رنج) و فراوانی یا دامنه شمول (بیش‌ترین افراد جامعه را دربر گیرد). بر این اساس، لذت هرچه شدیدتر، طولانی‌تر، یقینی‌تر، نزدیکتر، فراوان‌تر، خالصتر و مورد بهره‌مندی تعداد بیشتری از افراد باشد، نسبت به سایر لذت‌ها برتری دارد. (ابوطالب دخت شورکی، ...)

اصالت وجودی در تفکرات اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری به طور کامل با فرد است. بنابراین هر عاملی که به فرد مربوط می‌شود مورد اهمیت و یگه‌ای قرار خواهد گرفت؛ به همین دلیل صتبت از لذت و رنج در مورد فرد اهمیت چندانی می‌یابد و حتی گاهی برای عملی کردن آن تا تعرض به حقوق دیگران هم پیش می‌رود. مطلوبیت‌گرایی در تفکر اندیشمندان غربی بیشتر در فضای مادی‌گرایی مطرح گردیده هر چند که اشاره ای هم به مقوله‌های اخلاقی نیز شده است اما بسیار محدود و خام می‌باشد. (عسگری)

بیشتر ادبیات اقتصاد اسلامی که با رفتار مصرف‌کننده در سطح اقتصاد خرد سروکار دارد، بر تنظیم بازار آزاد با برخی مفروضات اضافی از منابع اولیه اسلامی متمرکز است. یک فرض رایج توسط اقتصاددانان اسلامی این است که مصرف‌کننده در یک اقتصاد اسلامی ایده آل از دستورات اسلامی پیروی می‌کند. با انجام این کار، آنها تعریف عقلانیت را بسط می‌دهند و دیدگاه‌های اخلاقی، معنوی و اجتماعی را در آن گنجانده‌اند. هدف آنها این است که نشان دهند مصرف‌کننده منطقی در صورت پیروی از آموزه‌های اسلامی چگونه رفتار می‌کند. به طور کلی، اقتصاددانان اسلامی تحلیل جریان اصلی اقتصاد را تا حدی می‌پذیرند که با آموزه‌های اسلامی در تضاد نباشد. (اکرم‌خان، ۲۰۲۰)

پیشینه پژوهش

در ارتباط با نظریه مطلوبیت در اسلام منابع متعددی به نگارش درآمده است که برای نمونه برخی از این مطالعات را تشریح می‌کنیم: زین متقین و مارتینی دوی پوسپارینی (۲۰۱۹) در مطالعه خود با عنوان «بازتعریف مطلوبیت مصرف‌کننده در دیدگاه چارچوب اقتصاد اسلامی» به بازتعریف مطلوبیت مصرف‌کننده در چارچوب اقتصاد اسلامی می‌پردازند. آنها اشاره می‌کنند که مطلوبیت

ترجیحات فردی است که می‌تواند به روش‌های عددی نمایش داده شود. این مطالعه بیان می‌کند که اسلام مطلوبیت را عملی برای خودشکوفایی منفعت تعریف کرده است که به نفع دیگران و به دنبال ارتقای اهداف دو بعدی دنیا و آخرت است.

محمود اکرم خان (۲۰۲۰) در مقاله خود با عنوان «نظریه رفتار مصرف‌کننده: دیدگاه اسلامی» این مقاله نظریه رفتار مصرف‌کننده را با بینش‌هایی از منابع اولیه اسلام تکمیل می‌کند. مصرف‌کننده‌ای که مطلوبیت را به حداکثر می‌رساند در چهار بعد عمل می‌کند: اعتدال، اسراف، اسراف و بخل. این ابعاد در هر قشر اجتماعی معانی مختلفی به خود می‌گیرند. یک عامل پیچیده، زمینه مصرف است که می‌تواند فردی، اجتماعی یا عمومی باشد. برای هر قشر اجتماعی و برای هر زمینه، این ابعاد معانی متفاوتی دارند. این مقاله استفاده از روش‌شناسی اقتصاد رفتاری را برای تعریف ابعاد مصرف پیشنهاد می‌کند. مفهوم تمایل حاشیه‌ای به مصرف را به چهار گرایش توضیح می‌دهد: تمایل حاشیه‌ای به اعتدال، اسراف، اسراف و بخل. این امر مستلزم تعریف مجدد قانون تقاضا است و به جای منحنی که معمولاً در کتاب‌های درسی اقتصاد یافت می‌شود، به چهار منحنی منجر می‌شود. بخش آخر مقاله رفتار مصرف‌کننده را با رفاه و شادی مادی مرتبط می‌کند و نتیجه می‌گیرد که اعتدال منجر به بالاترین سطوح شادی در مقایسه با سایر ابعاد رفتار مصرف‌کننده می‌شود.

مصطفی ابوطالب‌دخت شورکی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه خود با عنوان «بررسی تطبیقی هدف مصرف‌کننده در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف» بیان می‌کنند که در اقتصاد اسلامی با توسعه در مفهوم و محدوده لذت، بیشینه‌سازی مطلوبیت گسترده، شامل مجموع لذت‌های مادی و معنوی در دنیا و آخرت، به عنوان هدف مصرف‌کننده تلقی شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، پذیرش بیشینه‌سازی مطلوبیت گسترده، به عنوان هدف مصرف‌کننده در اقتصاد اسلامی، مستلزم تعدیل بهره‌مندی از لذت‌های مادی و گذر از عقلانیت ابزاری است. بیشینه‌کردن تابع مطلوبیت دنیوی، به تنهایی و با نادیده گرفتن تابع مطلوبیت اخروی، نه تنها موجب بیشینه‌سازی مطلوبیت گسترده نمی‌شود بلکه باعث کمینه‌سازی آن نیز می‌شود زیرا شرط تحصیل لذایذ عمیق، گسترده و جاودانه جهان آخرت و نیز لذت‌های معنوی دنیوی، تعدیل به معنای چشم‌پوشی از برخی موارد لذایذ آبی و زودگذر مادی دنیوی می‌باشد. افزون بر آنکه عقلانیت ابزاری نمی‌تواند زمینه‌ساز بیشینه‌سازی مطلوبیت گسترده شود. ازاین‌رو، بیشینه‌سازی مطلوبیت گسترده مستلزم تعدیل لذت‌های مادی می‌باشد.

علی جابری (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «ورود مطلوبیت دو ساحتی در تابع رفاه اجتماعی از نگاه رویکرد ارزشی اسلام» بیان می‌کند که مطلوبیت دوساحتی نمی‌تواند معیار کارآمد و جامعی برای سنجش و رتبه‌بندی وضعیت‌های رفاه اجتماعی اسلام باشد و به عنوان متغیر اصلی تابع رفاه اجتماعی در رویکرد اسلامی معرفی شود. در این مطالعه بهره‌مندی از کالاها خدمات ضروری و حلال مطابق ناساز و استحقاق و عدالت، به عنوان متغیر توضیحی در تابع رفاه اجتماعی با رویکرد اسلامی معرفی شده است.

محمد مهدی عسگری و مجید عنان پور (۱۳۹۲) در مطالعه خود با عنوان «مطلوبیت‌گرایی در رفتار تولیدکننده بر اساس نظریه اقتضای اسلامی» با نگاه به نظریات اندیشمندان مسلمان و مراجعه به آیات نورانی کلام وحی و روایات معصومین (ع) دریافته‌اند که هدف اقتصادی تولیدکننده مسلمان، تولید کالا برای رفع نیاز جامعه اسلامی و خانواده خویش است که این هدف در راستای هدف غایی او که همان عبادت و اطاعت است، می‌باشد. بنابراین مطلوبیت‌گرایی و در نتیجه حداکثرسازی سود جایگاهی در رفتار تولیدکننده نخواهد داشت. در این مطالعه ضمن بررسی و نقد ایده مطلوبیت‌گرایی از منظر متفکرین غربی و اندیشمندان مسلمان، به جستجو در آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) در این خصوص، پرداخته شده است.

محمد هادی زاهدی وفا و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «نقد ابتدای اقتصاد اسلامی بر مطلوبیت‌گرایی دو ساحتی؛ درآمدی بر تکلیف‌گرایی دینی» از منظری درون‌دینی به تبیین اشکالات و تناقضات مطلوبیت‌گرایی دو ساحتی پرداخته شده است اما تمام اهتمام بر این بوده تا در نقد و بررسی اشکالات به معرفی تکلیف‌گرایی دینی به عنوان مبنای اخلاقی اقتصاد اسلامی پرداخته شود. به نظر می‌رسد با توجه به تعالیم اسلامی، نظریه اخلاقی مختار، بهتر از مفهوم پرتناقض مطلوبیت‌گرایی دو ساحتی می‌تواند مبین قاعده رفتاری یک انسان مسلمان باشد.

حسن آقائزری (۱۳۸۶) در مطالعه خود با عنوان «پیش فرض‌های تقاضا از نظر برخی اقتصاددانان مسلمان و بازنگری آنها» تحلیل معرفت‌شناختی مطلوبیت» با استفاده از روش تحلی رفتارهای عقلانی، دیدگاه برخی از اقتصاددانان مسلمان درباره پیش فرض‌های نظریه تقاضا در علم اقتصاد مورد بررسی قرار داده و آنگاه معرفت‌شناسی مطلوبیت، ارزیابی و در نهایت چنین نتیجه‌گیری کرده که مطلوبیت به عنوان مبنای نظریه تقاضا در علم اقتصاد و اقتصاد اسلامی فقط اختلاف مصداقی ندارد بلکه شناخت مطلوبیت نیز تفاوت اساسی وجود دارد و توجه به این تفاوت، تأثیر ویژه در نظریه پردازی درباره تقاضا در اقتصاد اسلامی دارد.

روش تحقیق

این مطالعه در دسته بندی مطالعات مروری قرار دارد. به طور کلی سه نوع مقاله مروری شامل مرور نظام مند، تولید بهترین شاهد و مرور روایتی وجود دارد. مرور روایتی که این مطالعه بر مبنای آن انجام شده است برای موضوعات جامع و مفصل کاربرد دارد. این نوع مقاله مطالعات اولیه و اصیل یک حیطه را خلاصه می‌کند. از نقاط قوت این مقالات در بر داشتن تکرر و تفاوت‌ها در عناوین پژوهش‌های آکادمیک و ایجاد فرصت برای ارائه دانش و تجربیات فرد مرورگر است. در مرور روایتی، بر خلاف انواع دیگر مقالات مروری، وقتی یک فرضیه واحد وجود ندارد یا با روشهای نظام مند قابل جمع بندی نیست، فرد مرورگر با استفاده از تجربیات خود، مدل‌ها و فرضیه‌های موجود یک نتیجه‌گیری کلی و نقد در حیطه مورد نظر نیز ارائه می‌کند. نتایج این مقاله بر خلاف نتایج عمدتاً کمی مرور نظام مند، بیشتر به صورت کیفی است. (سهرابی، ۱۳۹۲)

برای یافتن مجموعه مقالات مناسب در حیطه نظریه مطلوبیت و نقد آن بر مبنای نظرات اندیشمندان اسلامی، کلمات کلیدی مرتبط فارسی و انگلیسی در پایگاه‌های جامع علمی نظیر نور، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، گوگل اسکالر و ... جستجو و مقالات منتخب دریافت و به صورت مروری در دو بخش نقد نظریه مطلوبیت و نظریات منتخب ارائه شده است.

یافته‌های تحقیق

الف) نقد نظریه مطلوبیت

از مهمترین انتقاداتی که اندیشمندان غربی بر مطلوبیت‌گرایی وارد نموده اند عبارت است از: توجه بیش از حد به یکی از انگیزه‌های بشری، عدم سخن گفتن از توزیع لذت و شادی، امکان این نکته که مفهوم سعادت اجتماعی به استبداد بینجامد و علاوه بر این مطلوبیت‌گرایان به وضع موجود انسان نظر دارند و آرمانی برای آینده ترسیم نمی‌کنند. در بحث مطلوبیت‌گرایی از منظر اقتصاددانان و محققان مسلمان، می‌توان به دو گروه اشاره نمود. گروه اول اصل موضوعه مطلوبیت، اصول موضوعه دیگری را مطرح ساخته اند.

گروه اول افرادی مانند "انس زرقاء" و "اسد زمان" هستند که به این منظور، اصل موضوعه پیشینه سازی مطلوبیت را با وارد کردن احکام و محدودیت‌های اسلامی، برای فرد مسلمان بازسازی کرده اند: می‌نویسد: یکی «وابستگی جزئی در تابع مطلوبیت مسلمان» انس زرقاء در مقاله ای تحت عنوان از تفاوت‌های ساختاری میان انسان اقتصادی و انسان اسلامی آن است که تابع مطلوبیت دومی دارای متغیر جدیدی موسوم به پاداش یا جزا در آخرت است. متغیر جدید، دارای تعامل شدید با سایر متغیرهای اقتصادی و غیراقتصادی در تابع مطلوبیت است. البته وی تابع مطلوبیت فرد مسلمان را داده شده تلقی نمی‌کند، بلکه آن را به صورت جزء درون زای نظام مطرح کرده و معتقد است: اسلام، تلاش بی‌وقفه‌ای را برای تغییر جهت آن از مسیر انترافی دنبال می‌کند. (در حالی که - معمولاً توسط اقتصاددانان داده شده فرض می‌شود. اسد زمان برای ترسیم تابع مطلوبیت فرد مسلمان، چهار اصل موضوعی ترجیحات مفهومی، ترجیحات یکنواخت ضعیف، اشباع نیازهای اساسی، اثرات برون زایی در مطلوبیت ثانویه را مطرح کرده و بدین وسیله، مواردی از ارزش‌های اسلامی مانند رفتار نعدوستانه، تفاوت میان نیازهای اساسی و ... را بیان می‌کند.

گروه دوم، کسانی هستند که بار اصل موضوعه مطلوبیت، اصول موضوعه دیگری را مطرح ساخته اند. معروف ترین اصولی که از

جانب گروه دوم ارائه شده، به این شرح است: الف- اصل بیشینه کردن تطابق رفتار با احکام شرع در این قسمت می‌توان از افرادی همچون نجات‌الله صدیقی و منذر قحف را نام برد. از دیدگاه این دو اقتصاددان مسلمان، فرد تربیت شده مکتب اسلام، براساس معیار طبیعی بیشینه کردن مطلوبیت عمل نمی‌کند؛ بلکه مطلوبیت او نیز در گرو پیروی از احکام شرع است. این دو، برای اثبات این موضوع به تبیین مفهوم موفقیت می‌پردازند.

با توجه به مطالب ارائه شده درباره ایده مطلوبیت‌گرایی از منظر اندیشمندان مسلمان، در می‌یابیم که برخی از اقتصاددانان مسلمان و محققان اقتصاد اسلامی، به دلیل تفاوت آشکار دیدگاه‌های اسلام با نظام سرمایه داری، مطلوبیت‌گرایی در رفتار تولیدکننده از نگاه اقتصاد متعارف را قابل تعمیم به فرد مسلمان ندانسته و درصد برآمده اند تا برای تحلیل رفتار تولیدکننده مسلمان، چارچوبی متناسب با ارزش‌های اسلامی ارائه کنند. عده‌ای دیگر اصالت را با مباح مطرح شده در غرب دانسته و با قیودی آن را محدود کرده اند.

ب) نظریات منتخب

در این بخش با توجه به مرور ادبیات و نظرات پیرامون نظریه مطلوبیت در اسلام، می‌توان برداشت محققانی را درست دانست که این نظریه را مبتنی بر ارزش‌های اسلامی بیان می‌دارند و با معرفی نظام اخلاقی استخراج شده از متن دین اسلام، شرایط و ضوابط حاکم بر این موضوع را بیان می‌دارند. در این زمینه مطالعه‌های زیادی انجام شده است به صورت منتخب موارد زیر ارائه می‌گردد:

مطالعه اول - مطالعه فؤاد خلیل و آلیا آودکیچ (۲۰۲۰):

فطرت را از چهار جزء کلیدی تشکیل شده می‌داند: طهارت. اخیات (تواضع در برابر خدا)؛ تقوا و عدالت و این مؤلفه‌ها را بخشی از یک سیر رشد و تکاملی می‌داند که از از فقه شروع و پس از آن به عدالت، ایمان، تزکیه نفس، تقوا و احسان به عنوان آخرین «تزیینات و آراستگی پایانی» می‌رسد. پیشرفت در این سیر تکاملی به عوامل بیشتری بستگی دارد. عوامل ایجاد حرکت آبی و نیز انرژی می‌توانند بی‌نهایت باشند. این عوامل حیاتی و کلیدی رشد شامل دو مجموعه عامل است: یکی بعد عملی دارد و دیگری بعد معنوی را در بر می‌گیرد. دو مجموعه علم، توکل، صبر، اعمال برحق انسان و نیز نیت، توبه، شکر معادله حرکت را نشان می‌دهد.

هنگامی که همه عناصر این دو مجموعه به سطح مورد نیاز رسیدند، تمام الزامات مرحله تعالی فعلی اجرا می‌شوند و فرد مثل Y می‌تواند به مرحله بعدی پیشرفت کند. پس از پیشرفت، فرد «Y» ممکن است از «فرصت‌های عملکرد» بیشتری آگاه شود. این آگاهی می‌تواند شرایط را دوباره تعریف کند و در نتیجه ظرفیت را افزایش دهد. مثلاً با رسیدن به مرحله عدل متوجه می‌شود که مسئولیت بیشتری در قبال رفع بی‌عدالتی اجتماعی وجود دارد. درک نیاز به اصلاح بی‌عدالتی، آگاهی از «فرصت‌های عملکرد» بیشتر را فراهم می‌کند. اگر فردی تصمیم بگیرد که عمل نکند، به سطح قبلی سقوط می‌کند. اقدامات اجتماعی و اقتصادی یک مسلمان نیز تا حد زیادی به سناریویی که او در طول سفر تعالی با آن روبرو می‌شود بستگی دارد.

تفاوت بین معیار تعیین شده و مقادیر اعضای دو مجموعه مذکور به رضایتی که فرد از انجام اعمال مختلف و مصرف کالاها یا خدمات مختلف به دست می‌آورد، تبدیل می‌شود. در علم اقتصاد، معیار رضایت «مطلوبیت» است که رفتار اقتصادی افراد را توضیح می‌دهد. از طریق درک فرآیند تعالی، مطلوبیت را می‌توان به دو شکل عمده تقسیم کرد که عبارتند از: مطلوبیت کلان و مطلوبیت خرد. مطلوبیت خرد گرایش طبیعی یا تمایلی است که مبتنی بر مفهوم فلسفی سودگرایانه درد و لذت است. «مطلوبیت کلان و جامع» مفهومی است که دنیا، آخرت و روز قیامت را در بر می‌گیرد، بر اساس این فرض که مصرف محصول «X» از نظر شرعی ممنوع است. این بدان معنی است که محصول «X» دارای یک مطلوبیت خرد است، با این حال، مصرف آن به عنوان یک عمل گناه طبقه بندی می‌شود که مجموع «مطلوبیت کلان و جامع» را صفر یا منفی می‌کند. بنابراین، در حالی که یک مطلوبیت می‌تواند در چارچوب خرد مثبت باشد، با این حال، همان مطلوبیت زمانی که از ایدئولوژی «مطلوبیت کلان و جامع» درک شود، می‌تواند کل را به منفی تبدیل کند و مجموع را صفر یا منفی کند.

هر چه یک فرد در مراحل رشد بالاتر رود، تفاوت بین مطلوبیت کلان و خرد بیشتر می‌شود. ادبیات «اقتصاد اسلامی» دیدگاه‌های متفاوتی درباره مطلوبیت ارائه می‌کند. دیدگاه کلی اقتصاددانان اسلامی این است که منطق ما فقط به ما کمک می‌کند تا مطلوبیت خرد را دنبال کنیم. دلیل ناکافی بودن منطق ما این است که ما فقط اطلاعاتی در مورد دنیای فیزیکی داریم. «وحی» فرستاده شده‌اند تا ما را در مورد علم نوع سوم که ما به تنهایی قادر به درک آن نیستیم، روشن کنند. نوع سوم دانش به عنوان دانشی است که اطلاعات مورد نیاز برای تصدیق عهدمان با خدا را فراهم می‌کند، و اگر این کار را انجام دهیم، روشی را ارائه می‌کند که می‌توانیم از آن برای به حداکثر رساندن مطلوبیت به صورت کنترل‌شده با استفاده از روش‌های تجویز شده برای افزایش مطلوبیت جامع استفاده کنیم.

در نهایت این مطالعه نتیجه‌گیری می‌کند که قوانین و مقررات حکومتی، اگرچه می‌تواند از شریعت نشأت بگیرد، اما اجرای نهادی آن باید محدود به قوانین صریحی باشد که مستقیماً در قرآن یا حدیث آمده است. این قوانین تنها افراد دارای سطوح مختلف اخلاقی را از آسیب رساندن به جامعه باز می‌دارد، در حالی که حمایت از رشد و تعالی باید توسط علمای مسلمان انجام شود.

مقررات بازار تحت همان دسته ای است که در بالا ذکر شد. بنابراین، مقررات بازار اعمال شده توسط دولت باید محدود به قوانین صریح باشد که مستقیماً در قرآن یا حدیث ذکر شده است. توسعه جامعه و بازار در چارچوب اسلامی باید توسط علما انجام شود. زیرا آنها می‌توانند مستقیماً بر عوامل پشتوانه مطلوبیت جامع تأثیر بگذارند. در بازار و جامعه، این احتمال وجود دارد که فرآیند زمینه‌سازی شده ای بتواند قوانینی را ایجاد کند که با تأثیر نامطلوب بر عوامل مورد نیاز توسعه، مانع رشد افراد در مراحل پایین تر رشد شود. در چنین حالتی، جامعه ممکن است در نهایت دارای اقلیتی از افراد با سطوح بالای مطلوبیت جامع باشد، در کنار یک اکثریت توسعه نیافته با سطح مطلوبیت خرد بالاتر.

مطالعه دوم - رجایی (۱۳۹۵):

اقتصاد کلاسیک، انسان اقتصادی را انسانی خودخواه، مادی‌گرا، لذت‌طلب و به دنبال بیشینه‌سازی نفع مادی شخصی قلمداد می‌کند. چنین انسانی در مقام تولیدکننده و به دنبال بیشترین سود مادی شخصی و در مقام مصرف‌کننده در پی بیشینه‌سازی مطلوبیت؛ یعنی لذت مادی محض است. نفع مادی شخصی ملاک رجحان و انتخاب چنین انسانی است.

از دیدگاه علامه طباطبایی، روح که هویت اصلی انسان را تشکیل می‌دهد از بین رفتنی و مستهلک‌شدنی نیست. انسان با هدایت تکوینی با داشتن قوه ادراک و تسخیر موجودات می‌تواند علوم طبقه بندی شده ای برای تصرف در اشیاء و فعالیت اقتصادی به دست آورد. در نتیجه، انسان از سایر موجودات عالم و حتی سایر انسان‌ها برای حفظ وجود و بقای خود استفاده می‌نماید. از نظر ایشان، نفع شخصی لذت و الم فطری، منطق فعالیت اقتصادی انسان اقتصادی را شکل می‌دهد. این لذت‌ها، عمل و متعلقات عمل انسان را در نظر انسان زینت می‌دهد. خداوند به وسیله همین لذت‌ها، آدمی را تسخیر کرده است. این لذت است که سبب انجام افعال می‌شود. با تحقق آن‌ها اهداف الهی و تکوینی مانند بقای شخص و دوام نسل محقق می‌شود. اگر در خوردن و آشامیدن و معاشرت لذتی نبود، انسان حاضر نمی‌شد برای رسیدن به آن، این همه رنج و زحمت بدنی و ناملازمات روحی تحمل کند و رد نتیجه نظام زندگی مختل می‌شد، نوع بشر منقرض می‌گشت و فلسفه تکوین باطل و لغو می‌شد. به نظر علامه طباطبایی، ما به سه نوع لذت مادی، فکری مطابق با فطرت و فکری مخالف با فطرت و موافق هواهای نفسانی مواجهیم. نوع اول و دوم هماهنگ با فطرت و سازگار با هدایت تشریحی است؛ اما نوع سوم منشأ استخدام انسان‌ها توسط یکدیگر و موجب اختلاف است. انبیاء و اولیاء الهی به همراه کتب آسمانی آمده‌اند تا انسان را به سمت لذت با دوام سوق دهند؛ لذتی که مطابق با فطرت است. هدایت تکوینی الهی همراه با هدایت تشریحی در جهت‌دهی انسان به کمال حقیقی و سعادت یا لذت با دوام هماهنگ است.

مطالعه سوم - ابوطالب‌دخت شورکی (۱۳۹۹):

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اسلام با پذیرش تمایل انسان به لذتهای مادی، معنوی، دنیوی و اخروی، تلاش دارد،

توجه انسان را به لذتها و مطلوبیت‌های پایدار اخروی جلب و زمینه را برای تعدیل تمایل به لذتهای مادی دنیوی فراهم کند. با توجه به اهمیت و برتری فوق‌العاده لذتهای معنوی و اخروی، در مقایسه با لذتهای مادی و با توجه به تراحم برخی از لذتهای مادی و نیز تراحم افراط در لذت جوی مادی، با لذت‌های معنوی و اخروی، تنها از طریق بیشینه‌سازی لذتهای معنوی و اخروی و متعادل‌سازی لذتهای مادی، بیشینه‌سازی مجموع لذتهای دنیوی و اخروی حاصل می‌گردد.

ایده بیشینه‌سازی لذت مادی دنیوی، تنها در محدوده‌ای قابل قبول است که مزاحم با لذتهای معنوی و اخروی نباشد زیرا تفکیک تابع مطلوبیت دنیوی مادی، از مطلوبیت معنوی و اخروی و بیشینه‌سازی آن، به صورت مستقل و به شیوه اقتصاد متعارف و به عبارت دیگر، با اعتماد بر عقلانیت ابزاری صرف، نه تنها بیشینه‌سازی مجموع لذت‌های دنیوی و اخروی را در پی ندارد، بلکه به طور قطع موجب فاصله‌گرفتن از نقطه بیشینه و کمتر شدن مطلوبیت کل می‌گردد. بنابراین، بر اساس عقلانیت دینی، اگر تابع مطلوبیت مادی، به تنهایی و به صورت مستقل مطرح گردد، باید به جای بیشینه‌سازی، بر متعادل‌سازی لذت‌های مادی تمرکز شود زیرا شرط بیشینه‌سازی مجموع لذت‌های دنیوی و اخروی، رعایت حدود شرعی و پرهیز از هوسرانی و به عبارتی تعدیل در لذت‌های مادی می‌باشد. بر اساس تعالیم اسلام، توجه به لذایذ کم ارزش مادی، تنها تا جایی که مانع رسیدن به لذت‌های برتر نشود، جایز می‌باشد. بنای اسلام بیشتر بر متعادل‌سازی لذایذ مادی و نه رهاسازی آن است. هر اندازه توجه انسان مسلمان، به لذایذ کم ارزش مادی متعادل‌تر و با جهت‌دهی مناسب باشد، امکان حصول لذت‌های برتر انسانی بیشتر می‌شود.

لذت‌های انسانی، اعم از لذت‌های انسانی در دسترس و لذت‌های متعالی انسانی است که فعلاً در دسترس نیستند. بنابراین، بر اساس معارف اسلامی به هیچ وجه نمی‌توان با اضافه کردن قید یا قیودی، به قید بودجه از شیوه مرسوم بیشینه‌سازی مطلوبیت استفاده کرد مگر اینکه قیدی آورده شود که این شیوه را از اساس متحول کند. در اینصورت، دیگر در واقع استفاده از شیوه مرسوم بیشینه‌سازی مطلوبیت نیست. در نتیجه، بیشینه‌سازی لذت همواره ملازم با تعدیل در لذت‌های کم ارزش‌تر مادی و نه بیشینه‌سازی آن است. در نتیجه هدف مصرف‌کننده مسلمان عبارت از «بیشینه‌سازی مطلوبیت معنوی و اخروی و تعدیل مطلوبیت مادی دنیوی» می‌باشد. البته ممکن است فرد مسلمان با عدول از عقلانیت دینی، در عمل به سمت بیشینه‌سازی لذت‌های مادی دنیوی برود اما چنین رفتاری ناشی از غفلت و یا عدم شناخت کافی از تعالیم اسلام بوده و یا در اثر ضعف ایمان می‌باشد که در هر صورت، غیرعقلایی محسوب می‌شود.

مطالعه چهارم - زاهدی وفا و همکاران (۱۳۹۲):

در این مطالعه با تشریح نظرات مربوط به بیشینه‌سازی دو ساحتی مطلوبیت تناقضات این نوع نظریه‌ها را بیان کرده و در جمع‌بندی به تکلیف‌گرایی دینی به عنوان راه حل اشاره می‌کند. در این مطالعه با بررسی مفهوم بیشینه‌سازی سرجمع لذات مادی و معنوی به عنوان مواجهه لذت‌گرایانه محققان اقتصاد اسلامی با انسان اقتصادی مسلمان، سؤالات و اشکالات بسیاری پدیدار می‌شود. بخشی از این اشکالات ناظر به عدم درک درست از جایگاه لذات در منظومه مفاهیم دینی و بخش دیگر ناظر به عدم شناخت مطلوبیت‌گرایی در نظریه پردازی اقتصاد متعارف است که در اینجا عناوین مطرح شده ناظر به این اشکالات ارائه می‌شود.

در ابتدا این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که با هر تعریف و تفسیری از لذات مادی و معنوی نمی‌توان مقسمی در این مبنا برای تفکیک لذات مادی از لذات معنوی پیدا کرد. مثلاً این امکان وجود دارد که در اعمال معنوی همچون نماز هم لذات مادی وجود داشته باشد که تفکیک آن دارای اشکال است. همچنین تفکیک لذات مادی از لذات معنوی در مبنای انتخاب فرد مسلمان، به نوعی بیانگر تفکیک نادرست امور مادی از امور اخروی برای اوست. تفکیکی که از درک اشتباه رابطه دنیا و آخرت نشأت می‌گیرد. با تبیین برخی از رابطه‌ها میان این دو ساحت، این نتیجه نیز قابل برداشت است که بیشینه‌سازی سرجمع لذات مادی و معنوی بر خلاف ادعا، تنها با انتخاب لذات معنوی و بدون حضور لذات مادی بیشینه خواهد شد. انگاره «عمل به تکلیف الهی» بهتر از انگاره «بیشینه‌سازی لذات» می‌تواند بازگویی مبنای انتاب فعل فرد مسلمان باشد.

بحث اصلی در لذات‌گرایی تک‌ساخته بنامی، لذت‌گرایی دو ساحتی اقتصاددانان مسلمان و حتی نظر این مطالعه مبنی بر تکلیف

گرایی الهی، تبیین و یا حتی پیش‌بینی نیست بلکه مبنایی است برای انجام فعل بهینه، عقلایی و اخلاقی افراد در اقتصاد و در نتیجه استخراج اصول ثانوی حاکم بر نهادهای نظام اقتصادی. از این رو بحث به هیچ عنوان انطباق بیشتر هیچکدام از این مبانی با وضعیت موجود انسان‌ها نیست تا لازم باشد نزدیک‌ترین مبنا به آن برای تبیین و پیش‌بینی اتخاذ شود، بلکه لازم است مبنایی که بیشترین انطباق را با خیر اعلی به عنوان معیار متعالی دارد اتخاذ شود.

مطالعه پنجم - داوودی و همکاران (۱۳۹۶)

نظریه «انتخاب عقلایی» در اقتصاد متعارف، با دو مفهوم «پی‌جویی نفع شخصی» و «سازگاری درونی‌گزینش‌ها» مطرح شده است. عقلانیت به معنای «پی‌جویی نفع شخصی»، تاکنون توسط اقتصاددانان متعارف و اقتصاددانان اسلامی به دلایلی گوناگون آماج انتقاد قرار گرفته است؛ مکانیکی پنداشتن انسان؛ محاسبه‌گرایی ماشینی؛ نامحدود دانستن ظرفیت انسانی؛ توجه نکردن به انگیزه‌های اخلاقی و دگرخواهانه انسان؛ و توجه نکردن به منافع اخروی و هنجارهای دینی. «عقلانیت» به معنای «سازگاری درونی‌گزینش‌ها» نیز به دلایلی محل اشکال واقع شده است؛ نظیر: نداشتن انسجام درونی، عدم لزوم تطابق رفتارهای عقلایی با تحصیل هدف؛ ناممکن بودن شناخت کامل اطلاعات و ترجیحات؛ بی‌توجهی به انگیزه‌ها و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی.

در این مطالعه، مفهوم طیفی «عقلانیت» در رویکرد اسلامی معرفی شد. بر اساس این رویکرد، از میان چند گزینه موجود، لزوماً انتخاب یک گزینه (به شکل منحصر به فرد)، عقلایی و بقیه غیر عقلایی محسوب نمی‌شود؛ بلکه ممکن است، دو یا چند گزینه، عقلایی بوده، اما یکی از آنها عاقلانه‌تر باشد. عقلانیت انتخاب در مقام عمل نیز طیفی است. بر اساس «عقلانیت طیفی اسلامی»، به لحاظ هنجاری، «رفتار عقلایی»، رفتاری است که دارای چهار مؤلفه «تبعیت از تکالیف اقتصادی الهی»، «منفعت‌گرایی فراگیر»، «محاسبه‌گری جامع»، و «جمع‌آوری اطلاعات تا سرحد علم و یقین» باشد.

بر اساس «عقلانیت طیفی اسلامی»، از نظر اثباتی، رفتار عقلایی انسان مسلمان، به لحاظ مراتب، یک مفهوم تشکیکی و طیفی است. هر یک از مؤلفه‌های چهارگانه عقلانیت ماهیتی طیفی دارند. در عمل با طیفی از تحقق این مؤلفه‌ها روبرو هستیم. برخی از افراد از لحاظ تحقق مؤلفه‌های عقلانیت، به مراتب بالای آن نزدیک می‌شوند. برخی نیز به درجات بالای عدم عقلانیت نزدیک‌اند. گروه زیادی از افراد نیز وضعیتی بینابینی دارند.

با استفاده از مفهوم «عقلانیت طیفی»، می‌توان پیش‌بینی‌های طیفی ارائه داد. برای نمونه، این ادعا قابل طرح است که انسان مسلمان در جامعه اسلامی، مصرفی در منطقه حد کفاف دارد. «حد کفاف» یک نقطه نیست، بلکه ناظر به زندگی در حد عرف جامعه اسلامی است (عرفی که فقر بر آن اطلاق نشود) که فراتر از سطح زندگی عمومی (اسراف و اتراف) نمی‌رود. برای بررسی اینکه نتیجه انتخاب کل افراد جامعه چه خواهد شد، باید تصویر دقیقی از درجه عقلانیت افراد داشته باشیم. اگر داده‌های عینی وجود نداشته باشد، می‌توان با استفاده از نظریه بازی‌ها و در نظر گرفتن فروض گوناگون به تحلیل انتخاب افراد جامعه و آثار آن مبادرت ورزید.

بحث و نتیجه‌گیری

تولید علوم انسانی اسلامی کاری بسیار پیچیده بوده و لازم است دانشمندان جهان اسلام و دلسوزان علم و بشریت در عالم اسلام، نه تنها برای تداوم حیات تمدنی خود که برای نجات علم کمر همت بر بسته و با نگاهی اسلامی و واقع‌بینانه علوم انسانی اسلامی را تولید کرده و به بشریت عرضه نمایند.

آنچه در وهله اول برای این هدف مورد نیاز است، نقد و بررسی مبانی علوم انسانی غربی بوده و در گام بعدی بازتعریف مبانی بر اساس گنجینه‌های فراوان معرفت‌دینی در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی می‌باشد. بخش اساسی علم اقتصاد بر اساس مبانی اندیشه-ای فیلسوفان غرب بر مبنای تعریف مادی از انسان، تعریف ناقصی از مطلوبیت ارائه می‌دهد که نیاز است تا ضمن نقد این تعریف به تعریف جدیدی به این مفهوم دست یافت تا بتوان مبتنی بر آن اصول دیگر علم اقتصاد اسلامی را بر مبنای آن شکل داد. در این مطالعه

سعی شد تا با روش مرور روایتی از مجموعه مطالعات منتخب در این خصوص مجموعه ای کلی از نظریات در نقد نظریه مطلوبیت و نیز بیان بدیل این نظریه از منظر اسلامی را ارائه نماییم. با توجه به مطالب ارائه شده درباره ایده مطلوبیت‌گرایی از منظر اندیشمندان مسلمان، در می‌یابیم که برخی از اقتصاددانان مسلمان و محققان اقتصاد اسلامی، به دلیل تفاوت آشکار دیدگاه‌های اسلام با نظام سرمایه داری، مطلوبیت‌گرایی در رفتار تولیدکننده از نگاه اقتصاد متعارف را قابل تعمیم به فرد مسلمان ندانسته و درصدد برآمده‌اند تا برای تحلیل رفتار تولیدکننده مسلمان، چارچوبی متناسب با ارزش‌های اسلامی ارائه کنند. عده‌ای دیگر اصالت را با مباح مطرح شده در غرب دانسته و با قیودی آن را محدود کرده‌اند.

در مطالعات مرور شده و نیز سایر مطالعاتی که در این مقاله به آنها اشاره نشده است، نظریات بدیل برای نظریه ملوویت در دو دسته بندی قابل ارائه است. نظریه متقدم در این خصوص نظریه ای است که مطلوبیت را بیشینه سازی سرجمع لذات مادی و معنوی می‌داند در مطالعه اول مسیر رشد انسانی را تصویر و مطلوبیت کلان و جامع را مفهومی می‌داند که دنیا، آخرت و روز قیامت را در بر بگیرد. مطالعه دوم که بر اساس نظر علامه طباطبایی رحمت الله علیه صورت گرفته شبیه به مطالعه اول شاخص ابتدای بر فطرت را به عنوان معیاری برای سنجش افعال انسانی در نظر گرفته و با تقسیم لذات به لذات مادی، منطبق بر فطرت و مخالف فطرت بیان می‌دارد که انبیاء و اولیاء الهی به همراه کتب آسمانی آمده‌اند تا انسان را به سمت لذت با دوام سوق دهند؛ لذتی که مطابق با فطرت است. در مطالعه سوم در همین دسته نیز بیان می‌دارد که هدف مصرف‌کننده مسلمان عبارت از «بیشینه سازی مطلوبیت معنوی و اخروی و تعدیل مطلوبیت مادی دنیوی». البته این را نیز بیان می‌کند که ممکن است فرد مسلمان با عدول از عقلانیت دینی، در عمل به سمت بیشینه سازی لذت‌های مادی دنیوی برود اما چنین رفتاری ناشی از غفلت و یا عدم شناخت کافی از تعالیم اسلام بوده و یا در اثر ضعف ایمان می‌باشد که در هر صورت، غیرعقلایی محسوب می‌شود.

در دسته بندی دوم مطالعاتی وجود دارند که بیشینه سازی دو ساحتی را دچار ضعف دانسته و بیان دیگری از نظریه مطلوبیت از دیدگاه اسلام بیان می‌دارند. در مطالعه چهارم با تشریح نظرات مربوط به بیشینه سازی دو ساحتی مطلوبیت، تناقضات این نوع نظریه‌ها را بیان کرده و در جمع بندی به تکلیف‌گرایی دینی به عنوان راه حل اشاره می‌کند و انگاره «عمل به تکلیف الهی» بهتر از انگاره «بیشینه سازی لذات» می‌تواند بازگویی مبنای انتاب فعل فرد مسلمان باشد. در مطالعه پنجم نیز برای احتراز از نظریه بیشینه سازی دو ساحتی و مبتنی بر «عقلانیت طیفی اسلامی»، به لحاظ هنجاری، «رفتار عقلایی» را رفتاری می‌داند که دارای چهار مؤلفه «تبعیت از تکالیف اقتصادی الهی»، «منفعت‌گرایی فراگیر»، «محاسبه‌گری جامع»، و «جمع‌آوری اطلاعات تا سرحد علم و یقین» باشد. به نظر می‌رسد با توجه به ضعف‌های موجود در نظریه بیشینه سازی دو ساحتی دسته بندی دوم جامع‌تر بوده و مطالعه پنجم از حیث توجه به موضوعاتی فراتر از تکالیف الهی ابعاد بیشتر و موسعی را برای نظریه بدیل مطلوبیت بیان داشته است.

منابع

منابع فارسی

- ابوبالبدخت شورکی، مصطفی، خلیلیان اشکذری، محمدجمال، توکلی، محمدجواد (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی هدف مصرف‌کننده در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف، معرفت اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره دوم، پیاپی ۲۲-۳۹-۵۵.
- آقانظری، حسن (۱۳۸۶)، پیش فرض‌های تقاضا از نظر برخی اقتصاد دانان مسلمان و بازنگری آنها (تحلیل معرفت‌شناختی مطلوبیت)، پژوهش‌های اقتصادی، سال هفتم، شماره چهارم، ۹۹-۱۱۸.
- جابری، علی (۱۳۹۸)، ورود مطلوبیت دو ساحتی در تابع رفاه اجتماعی از نگاه رویکرد ارزشی اسلام، معرفت اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۲۰، ۱۴۳-۱۶۰.
- رجایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۵)، منطق فعالیت اقتصادی از دیدگاه علامه طباطبایی در مقایسه با اقتصاد کلاسیک، معرفت اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، ۵-۲۴.

زاهدی وفا، محمدهادی، عسگری، محمد مهدی، نعمتی، محمد، موحدی بکنظر، مهدی (۱۳۹۲)، نقد ابتدای اقتصاد اسلامی بر مطلوبیت‌گرایی دو ساحتی؛ درآمدی بر تکلیف‌گرایی دینی، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۷، ۵۸-۸۴

سهرابی، محمد رضا (۱۳۹۲)، اصول نگارش مقالات مروری، مجله پژوهنده، سال هجدهم، شماره ۲، پی‌در پی ۹۲، ۲۲ تا ۵۶

داوودی، پرویز، توکلی، محمدجواد، پناهی بروجردی، محمد سعید (۱۳۹۶) عقلانیت طیفی اسلامی در مقابل نظریه انتخاب عقلایی اقتصاد متعارف، معرفت اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۷، ۶۷-۸۴

عسگری، محمد مهدی، عنان پور، مجید (۱۳۹۲)، مطلوبیت‌گرایی در رفتار تولیدکننده بر اساس نظریه اقتضای اسلامی، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره دوم، ۱۰۳-۱۳۵

منابع لاتین

Fawad Khaleel and Alija Avdukić, (2020). Exploring the Epistemology of Utility Function in Islamic Economics: Foundation of Islamic Finance. Islamic Finance Practices Experiences from South Eastern Europe. Chapter 2. Editor Velid Efendic, University of Sarajevo, Sarajevo, Bosnia and Herzegovina. Palgrave macmillan.

Khan, Muhammad Akram, (2020). Theory of Consumer Behavior: An Islamic Perspective. MPRA Paper No. 104208, posted 03 Dec 2020.

Zein Muttaqin, Martini Dwi Pusparini, (2019). Redefining Consumer Utility in The Perspective of Islamic Economics Framework. Journal of Islamic Economics, Finance, and Banking. Vol. 2, No. 1, Juni 2019, 1-19

